

طرحی برای فردا

اصلاح طلبی و توسعه

■ حمیدرضا بوستانی ■

www.ketab.ir

• سرشناسه: بوستانی، حمیدرضا، ۱۳۶۶ -
• عنوان و نام پدیدآور: طرحی برای فردا: اصلاح طلبی و توسعه / حمیدرضا بوستانی؛ ویراستار فنی سمیرا گودرزی.
• مشخصات نشر: تهران: نقد فرهنگ، ۱۴۰۰.
• مشخصات ظاهری: ۲۵۴ ص.، ۱۴/۵×۲۷/۵ س.م.
• شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۸۲-۹۲-۳
• وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
• موضوع: اصلاح طلبی- ایران؛ تحولات اجتماعی- ایران.
• رده‌بندی کنگره: DSR ۱۵۹۱
• رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۴۰۴۵۲
• شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۱۵۸۷۱

www.ketab.ir

نقد فرهنگ

 @naqdefarhangpub
  www.naqdefarhang.com
  naqdefarhangpub

نشانی: پردیس، میدان عدالت، خ فروردین جنوبی، خ سعدی، مجتمع قائم ۱، بلوک A2، واحد ۲۰۳

تلفن: ۷۶۲۷۶۷۴۸ | مراکز بخش: ۶۶۴۶۰۰۹۹، ۶۶۹۶۷۰۰۷، ۶۶۴۸۶۵۳۵

• نام کتاب: طرحی برای فردا: اصلاح طلبی و توسعه

• نویسنده: حمیدرضا بوستانی

• ویراستار فنی: سمیرا گودرزی

• نوبت چاپ: اول

• سال انتشار: ۱۴۰۰

• تیراژ: ۵۰۰ نسخه

• قیمت: ۸۰،۰۰۰ تومان

• شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۸۲-۹۲-۳

© کلیه حقوق محفوظ و مخصوص انتشارات نقد فرهنگ است.

فهرست

۱۱.....	پیشگفتار.....
۱۷.....	فصل اول: توسعه و هدف توسعه
۲۰.....	تعریف توسعه
۲۲.....	هدف توسعه چیست؟ حاکمیت و هدف توسعه ۱.....
۳۰.....	درنهایت: توسعه چیست، هدف توسعه چیست و خلأ کجاست؟
۳۱.....	فصل دوم: راهبردی برای از میان برداشتن خلأ.....
۳۵.....	چرا اصلاح طلبی؟
۴۴.....	اصلاح طلبی و اصالت مدیریت
۵۱.....	چرا اصلاح طلبی؟ زیرا نباید انقلاب کرد.....
۵۷.....	کدام سبک تغییر خلأ را از میان می برد؟
۵۹.....	فصل سوم: گلوگاه توسعه و اصالت مدیریت
۶۰.....	دیدگاه های منتج به توسعه گریزی ملت
۶۲.....	عوامل دینی و مذهبی؟
۶۴.....	عوامل اقتصادی؟
۶۶.....	عوامل فرهنگی و اجتماعی؟
۶۸.....	دیگر عوامل مؤثر؟
۷۰.....	گلوگاه توسعه کجاست؟
۷۷.....	فصل چهارم: بسط نظری و تاریخی گلوگاه توسعه
۷۷.....	گلوگاه توسعه: نظریه ها و استدلال ها؟
۸۳.....	جمع بندی: نظریه ها و استدلال ها

۸۸	 گلوگاه کجاست؟ از منظر صلاحیت تخصصی!
۸۸	 وظایف مدیریت
۱۰۳	 جمع‌بندی: گلوگاه از منظر صلاحیت تخصصی
۱۰۴	 گلوگاه کجاست؟ مصادیق توسعه چه می‌گویند؟
۱۱۲	 جمع‌بندی: گلوگاه از منظر مصادیق؟
۱۱۲	 معمای توسعه؟
۱۱۷	 فصل پنجم: مسیر حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب
۱۱۷	 فرآیند تأثیرگذاری بر افکار مغایر با توسعه
۱۳۵	 آثار کاربرد اثربخش ابزارها
۱۴۴	 جمع‌بندی: فرآیند تأثیرگذاری گلوگاه
۱۴۵	 فصل ششم: گلوگاهی که از بین خواهد رفت؛ یک تصمیم تاریخی
۱۵۰	 حذف گلوگاه: اراده حاکمیت
۱۵۴	 ایثار حاکمیت: مقصدی برای اراده
۱۶۲	 اتاق فکر
۱۶۹	 فصل هفتم: سازمان عقلایی
۱۶۹	 تشکیل سازمان عقلایی
۱۷۳	 عقلانیت اقتصادی
۱۸۶	 عقلانیت حرفه‌ای
۲۰۱	 عقلانیت سیاسی
۲۰۷	 عقلانیت فرهنگی آموزشی
۲۱۵	 عقلانیت قانونی
۲۲۱	 فصل هشتم: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۲۲۱	 جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۲۲۸	 اصلاح طلب کیست؟
۲۳۱	 تداوم قدرت در دنیای آینده
۲۴۵	 منابع

پیشگفتار

مصطفی ملکیان در پاسخ به پرسشی مبنی بر اینکه ما باید دل نگران چه چیزهایی باشیم گفتند من نه دل نگران سنتم، نه دل نگران تجدد، نه دل نگران تمدن، نه دل نگران فرهنگ و نه هیچ امر انتزاعی دیگری از این قبیل. من دل نگران انسان‌های گوشت، پوست و خون‌داری هستم که می‌آیند، رنج می‌برند و می‌روند. اگر بگویم این پاسخ در حقیقت سنگ بنای استدلال‌های صورت گرفته در نوشتار حاضر را شکل داده، سخنی چندان بیراه نگفته‌ام. انسان به عنوان جانشین خدا بر روی زمین است و بر طرف ساختن نیازهای مشروع ایشان اولویت آغازین هر برنامه‌ریزی در راستای استفاده از منابع محدود در دسترس بشر است. به همین دلیل، هیچ توضیحی از سوی افرادی که منابع را در خدمت هدفی جز رفاه، آسایش و امنیت مردم به کار می‌گیرند قانع‌کننده نخواهد بود.

با وجود این، اصلاح زمانی ضرورت پیدا می‌کند که، در نتیجه وجود پیش فرض‌های نامرتبط، منابع موجود از برآوردن نیازهای مشروع این اشرف مخلوقات عاجز بمانند. در نتیجه، باید فرایندهای تصمیم‌سازی به گونه‌ای جرح و تعدیل یابند که زمینه استفاده از ابزارها در راستای خدمت به مردم فراهم شود. از طرفی، چون اصلاح تابعی از تصحیح روش استفاده از ابزارها جهت حصول به هدف است، رکنی که صلاحیت بهره‌برداری از این ابزارها را دارد به عنوان دارنده نقشی بی‌بدیل در این راستا تلقی می‌شود. اینجاست که طرح مفهوم اصالت مدیریت معنا پیدا می‌کند. اصالت مدیریت یعنی در جامعه، به عنوان یک سیستم

پیچیده، مدیریت دارای نقشی بی بدیل و غیرقابل انکار است. به همین دلیل، تا زمانی این رکن از جامعه اراده نکند جهشی تأثیرگذار در روند حرکت جامعه اتفاق نخواهد افتاد.

صاحب نظران زیادی استدلال می کنند که دولت مهم ترین عامل تأثیرگذار در سرنوشت جامعه نیست. این گروه بر این عقیده اند که اقدامات دولت شرط لازم برای توسعه است، ولی تا زمانی که مردم اراده نکنند هیچ تغییری از منظر شاخص های توسعه در جامعه اتفاق نخواهد افتاد. برای مثال، استدلال می شود رشد و توسعه بخش خصوصی به عنوان یکی از شروط توسعه مستلزم این است که مردم اراده ای برای فعالیت داشته باشند. طبق این دیدگاه، اگر مردم نخواهند به سمت فعالیت های اقتصادی مستقل از دولت حرکت کنند کاری نیز از دست دولت بر نخواهد آمد، زیرا بخش خصوصی توانمند موتور توسعه هر کشوری است. مبتنی بر این عقیده، مردم جهت دستیابی به رفاه اقتصادی نباید چشم بردستان دولت بدوزند و خود موظف اند با کارآفرینی زمینه تقویت بخش خصوصی را فراهم آورند.

در راستای تأکید بر اصالت مدیریت، و در نقد دیدگاه هایی از این دست، نوشتار حاضر استدلال های زیادی مطرح می کند. ابتدا، باید خاطر نشان کرد که در کتاب حاضر تفاوت معناداری در استفاده از الفاظ دولت یا حاکمیت وجود ندارد. به عبارت دیگر، دولت در جایگاه مجموعه ارکان تصمیم ساز یک کشور مدنظر نگارنده است و نه به عنوان رکنی مجری و جدا از قوه قانونگذار یا قوه قضاییه. برای مثال، وقتی استدلال می شود چون دولت مدیریت منابع کشور را در اختیار دارد باید در قبال نحوه استفاده از آن به مردم پاسخ گو باشد، یعنی کلیه نهادها، سازمان ها و ارگان هایی که سهمی از امکانات و امتیازات قدرت عمومی می برند مشمول حساب پس دهی هستند. استدلال می شود وقتی حاکمیت در جامعه مسئولیت پذیرفته، طبیعتاً باید در قبال استفاده از منابع عمومی به درگاه مردم پاسخ گو باشد. به عبارتی، وقتی قرار است مدیریت در جامعه اصالت داشته باشد سمت و سوی همه شاخص ها نیز تابعی از کیفیت تصمیم صاحبان قدرت سیاسی و مدیریتی است.

با این توضیح، چون حاکمیت در جامعه دارای نقشی بی‌بدیل است هیچ حرکتی نیز بدون حمایت و همراهی او دارای اثربخشی کلان نخواهد بود. وقتی اراده‌ای وجود نداشته باشد، نه تنها هیچ خصوصی سازی صورت نمی‌پذیرد، بلکه در پوشش سیاست‌های حامی خصوصی سازی «خصولتی‌ها» نبض اقتصاد را در دست خواهند گرفت. با وجود این سطح از آزادی عمل، از یک طرف مسیر مردم‌مداری و توجه به رفاه عمومی پیش روی صاحبان قدرت سیاسی قرار دارد و از طرف دیگر مسیر اندک سالاری و تلاش برای تداوم بخشی به قدرت خویش. انتخاب مسیری که منتهی به رفاه مردم می‌شود احتمالاً تلخ‌کامی ناشی از در معرض خطر قرار گرفتن کرسی‌های مدیریتی را برای صاحب منصبان در پی دارد. اینجاست که می‌توان از این حرکت ایشارگونه به سرکشیدن شوکران اصلاح تعبیر کرد.

شوکران اصلاح برای حاکمان می‌تواند به معنی تلخ‌کامی منتج از هزینه‌هایی باشد که تغییر در پی دارد. شوکران اصلاح یعنی تلخی و آگذاری قدرت و حرکت از استناد به یک سری تصمیمات فردمحور به سوی یک مجموعه از اصول و ساختارها، شوکران اصلاح یعنی رهایی از بند سلیقه محوری و غلتیدن به دامن معیارمندی و عقلانیت، شوکران اصلاح یعنی حرکت به سمت توجه به خواسته‌های مردم به عنوان صاحبان اصلی مملکت و حذف آنچه رابطه بین حق و ذی حق را دور و بعید کند، شوکران اصلاح یعنی تلاش بیش از پیش حاکمیت در تعالی مادی و معنوی جامعه با استناد به مسئولیت بی‌بدیلی که در راستای حصول به توسعه بر عهده دارد. با این تفاسیر، شوکران با همه تلخی‌اش در سطح اجتماعی چیزی جز «عجب حلوی قندی» و «عجب ماه بلندی» معنا نمی‌دهد.

مثالی که در کتاب حاضر برای بیان نقش بی‌بدیل حاکمیت در حصول به توسعه مطرح می‌شود بازی دومینواست. حاکمیت در هر کشوری به عنوان مهره اول دومینوی توسعه تلقی می‌شود. در این بازی، اگر هر مهره‌ای غیر از مهره اول به حرکت دربیاید، مهره‌های قبل از آن بی حرکت خواهند ماند. بنابراین، باید تلاش کرد مهره اول را که دارای قدرت تأثیرگذاری فراوانی بر همه مهره‌ها به صورت مستقیم یا غیرمستقیم است به حرکت درآورد.